

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه بیست و نهم، ۱۹ آبان ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه/مسائل بورس /ادله اربعه بر مشروعیت وکالت در بورس

### 1- حدیث اخلاقی (فضیلت حضرت معصومه سلام الله علیها)

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ [1]»

چون در ایام متعلق به حضرت معصومه (سلام الله علیها) هستیم و ایام ورود حضرت به قم است و ایامی که قمی‌ها متبرک و متمین به قدوم مبارک حضرت معصومه (سلام الله علیها) می‌شوند و شأنیت خاص حضرت معصومه (سلام الله علیها) بروز پیدا می‌کند و یکی از شئون خاص ایشان، همین حوزه علمیه قم می‌دانیم. الحمد لله رب العالمین، حدیث امروز را از امام صادق (علیه السلام) انتخاب کردیم. و صدور این حدیث، از امام صادق (علیه السلام) را از مصادیق اعجاز می‌دانیم. و صدور این حدیث، از معجزه‌های باقی امام صادق (علیه السلام) است. و صدور این حدیث هم، برای شخصیت حضرت معصومه (سلام الله علیها) است. اینها همه نشانه‌های شخصیت تعظیمی ایشان است. روایت در بحار، ج ۵۷، ص ۲۱۶ هست. در وسائل الشیعة هم هست.

### 1.1- قم حرم اهل بیت علیهم السلام

«إن لله حرما وهو مكة، وإن للرسول حرما وهو المدينة، وإن لأمير المؤمنين حرما وهو الكوفة، وإن لنا حرما وهو بلدة قم، وستدفن فيها امرأة من أولادي تسمى فاطمة فمن زارها وجبت له الجنة. قال الراوي: وكان هذا الكلام منه قبل أن يولد الكاظم عليه السلام [2]»

روی عن ابی عبدالله (علیه السلام) فقال (صلوات الله وسلامه علیه): «إن لله حرما وهو مكة؛ خدا حرمی دارد که مکه است؛

«وإن للرسول حرما وهو المدينة؛ رسول مکرم (صلی الله علیه وآله) حرم و نقطه امنی دارند که مدینه است؛

«وإن لأمير المؤمنين (علیه السلام) حرما وهو الكوفة؛ حرم امن امیرالمؤمنین هم کوفه است؛

«وإن لنا حرما وهو بلدة قم؛ این تعبیر «لنا»، یعنی برای ما اهل بیت؛ بعد از حضرت امیرالمؤمنین سرالانبیاء والمرسلین (علیه السلام)، اهل بیت (علیهم السلام) هم دارای حرم

هستند؛ حرم ما شهر قم است. در روایات داریم «عش آل محمد» [3] «صلوات الله وسلامه عليهم أجمعين»، جایی که معیشت اهل بیت (علیهم السلام) آنجا است. عیش و معیشت زندگی با آسایش و آرامش است.

### 1.2- ثواب زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها

«و ستدفن فیها امرأة من اولادی تسمى فاطمة.»

اخبار اینجا است؛ در این شهر، زنی از اولاد من مدفون می شود که اسمش فاطمه است.

«فمن زارها وجبت له الجنة»؛ کسی که ایشان را زیارت کند، بهشت بر او واجب می شود. می شود بگوییم حضرت معصومه (سلام الله علیها) صاحب الجنة است.

جالب اینجا است که «قال الراوی و كان هذا الكلام منه قبل أن یولد الكاظم (علیه السلام)»؛ قبل از این که امام کاظم (علیه السلام) متولد بشود، این مطلب را فرمودند. برای همین عرض کردم از مصادیق اعجاز قولی و فعلی ائمه (علیهم السلام)، همین روایت است. قبل از اینکه پدر متولد شود، حکایت دختر این پدر و مضجع او شهری است که آن شهر، حرم اهل بیت (علیهم السلام) است.

### 1.3- توصیه هایی برای ارادت به حضرت معصومه سلام الله علیها

چند مطلب عرض کنم:

اعزه من، قدر قم را بدانید. اینکه خدا به ما توفیق داده گرد شمع وجود حضرت جمع شدیم؛ رب أنعمت فزد. فله الحمد و له الشکر؛ شکرگزار باشیم. حضرت ما را پناه داده است. به شهری آمدیم که حرم اهل بیت (علیهم السلام) است.

منظور بنده این است که با شکر عملی قدردان باشیم؛ چون معنای شکر نعمت، یعنی نعمت را در جایی که هست، از آن استفاده کنیم. و شکر عملی مان هم به این باشد که ان شاء الله ما هم با شما شریک باشیم، حد اقل روزی یک مرتبه سلام به حضرت بدهیم و این را نهادینه کنیم. تقاضا می کنم هر کس این بحث را می شنود و در جریان این سخن قرار می گیرند، در زندگی خود سلام به حضرت معصومه (سلام الله علیها) نهادینه کنند؛ به خصوص قمی ها و بالآخر طلاب و فضلا که به برکت حضرت می گویند و می شنوند و تحلیل های علمی دارند. رب أنعمت فزد.

اینکه بعد از سلام به حضرت، ببینیم علاوه بر اینکه تکوینا به برکات حضرت زنده هستیم و کارهای ما در پناه و رؤیت و مرئی و منظر حضرت است و تشریعا هم خود را در مرئی و منظر

ایشان قرار دهیم. ما به اختیار خودمان می‌گوییم، غیر از شما کسی نداریم و شما هم در دنیا و هم در آخرت دستگیر ما باشید.

شأنیت حضرت در آخرت مخصوص است. به حضرت خاضعانه و خاشعانه و عبیدانه و بردگانه عرض کنیم که: «فلا تسلب مني ما أنا فيه [4]». آنچه ما در آن قرار گرفته‌ایم، از ما سلب نشود تا مراحل بعدی را بتوانیم ان‌شاءالله بپیماییم.

رزقنا لله إيانا وإياكم کمالاتی که در پناه حضرت کسب کنیم. الحمد لله رب العالمین.

## 2- خلاصه جلسه گذشته

در مباحث مشروعیت بازار بورس، روایت عروه باریقی را محضرتان عرض کردیم. و ما نمونه‌های فراوانی از این گونه روایات داریم که ائمه ما علیهم‌السلام بحث وکالت را و به خصوص وکالت در این دو موضوع را، یکی بحث معاملات بالمعنی الاخص و خرید و فروش و یکی هم بحث عقود را فرمودند که بالمعنی الأعم است. حضرات معصومین (سلام‌الله‌علیهم‌أجمعین) نهادینه کردند. من یکی دو روایت دیگر عرض کنم:

## 3- ادامه ادله مشروعیت وکالت در بورس

### 3.1- روایت سوم

صاحب وسائل در ج ۱۱، کتاب الحج، أحكام الدواب فی السفر، باب ۲۳ چند حدیث نقل می‌کنند که بعضی‌هایش را جزء ادله مشروعیت خرید و فروش بورس می‌دانیم؛ چون ما بورس را از مقوله وکالت می‌دانیم. قراردادهای بورس، قراردادهای وکالتی است؛ هر چند اسم وکالت را نمی‌آورند؛ ولی خرید و فروش را به دیگری تفویض می‌کنند. روایت هم صحیحه است.

۳. وعن ابن فضال، عن صفوان الجمال قال: «أرسل إليّ المفصل ابن عمر أن اشتر لأبي عبدالله (عليه السلام) جملاً، فاشترت جملاً بثمانين درهماً، فقدمت على أبي عبدالله (عليه السلام) [5]...»

صفوان جمال معتبر و ثقه است. کاروان دار بود. مردم را از این شهر به شهر دیگر منتقل می‌کرد. مفصل هم از اصحاب ثقه و با عظمت امام صادق (عليه‌السلام) است و صاحب توحید مفصل است که جای بحث و دقت دارد.

ایشان می‌گوید: حضرت امام صادق (علیه‌السلام) مفضل را نزد من فرستادند و گفتند برو پیش صفوان جمال برای حضرت امام صادق (علیه‌السلام) یک شتر بخر. ایشان هم می‌گوید که به هشتاد درهم شتری را خریدم و به سراغ امام صادق (علیه‌السلام) رفتم.

### 3.1.1-وجه استدلال به این روایت

من از این روایت، دو مطلب استفاده می‌کنم: یکی، وکالت در تجارت و دیگری، توکیل در توکیل. کسی را فرستادند که پیام برساند که به صفوان، بگو شتری برای من بخر. می‌شود بگوییم: حضرت پیام دادند و کار را به صفوان واگذار کردند. گویا حضرت به مفضل وکالت دادند تا او کار را به صفوان واگذار کند؛ یا به عبارتی پیام را به وسیله مفضل رساندند؛ در عین حال وکالت در توکیل، چه نفس وکالت باشد، دلیل بر تأیید قراردادها و معاملات می‌شود. کسی با دیگری قرارداد ببندد و کارش را به دیگری واگذار کند، اشکالی ندارد.

### 3.2-روایت چهارم

باز نمونه دیگر همین مورد بوده یا مورد دیگری باشد، معلوم می‌شود که حضرت مکرر به صفوان برای خرید و فروش شتر مراجعه می‌کردند؛

این، حدیث چهارم این باب است:

وعن الحجاج، عن صفوان قال: «قال لي أبو عبد الله (عليه السلام): اشتر لي جملاً وليكن أسود، فإنها أطول شيء أعماراً، ثم قال: لو يعلم الناس كنه حملان الله على الضعيف ما غالوا بهيمة [6].»

شتر سیاه بخر که عمرش طولانی‌تر است.

جا دارد در روانشناسی رنگ‌ها بررسی شود. حضرت در مورد رنگ‌های در شترها فرمودند: این شتر، عمرش بیشتر است. یکی از اطباء دام‌پزشک می‌گفت: رنگ در گاوها هم باعث خصوصیات لبنی و گوشتی آنها هم می‌شود. در تفسیر هم سوره بقره را بحث می‌کنیم گاو بنی اسرائیل بهترین رنگ‌ها را داشت [7]. امروز دام‌پزشکان هم می‌گویند رنگ گاو بنی اسرائیل که بین قهوه‌ای و سرخ است، شیر این نوع گاو، جزو بهترین شیرها است.

### 3.2.1-وجه استدلال به این روایت

اینجا هم حضرت فرمودند: در میان شتران، شتر کبود و سیاه عمرش بیشتر است. و فرمودند این شتر را برای من بخر.

روایات، حساب شده محضرتان تقدیم می‌شود. اینجا خرید و فروش مقید شده به اینکه سیاه رنگ باشد. به عبارت بهتر قرارداد، قرارداد مقید است. در روایت دیگری هم همین ولیکن اسود فینها أطول شیء أعمارا را داریم.

(إشتر)هایی که در روایات مختلف داریم که حضرات معصومین اجازه خرید به افراد مختلف دادند، ملاحظه کنید.

می‌توانیم استفاده کنیم که بورس هم قراردادهایی که در آن بسته می‌شود، معتبر است.

ما اعتبار این قراردادها را به ادله اربعه ثابت می‌دانیم؛ گرچه ما اجماع را حجت نمی‌دانیم؛ اما بنابر نظر کسانی که اجماع را حجت می‌دانند؛ شخصیتی مانند علامه در تذکره و بعضی از کتابهایشان برای مشروعیت وکالت، قائل به اجماع شدند [8]. هر چند ما اجماع را به عنوان دلیل مستقل نمی‌دانیم؛ ولی کسانی که اجماع را دلیل مستقل می‌دانند، می‌توانند به اجماع هم استناد داشته باشند.

#### 4- دلیل دوم بر مشروعیت وکالت در قراردادهای بورس: ادله قرآنی

##### 4.1- آیه اول

اشاره به برخی ادله قرآنی مشروعیت قراردادهای وکالت می‌کنیم؛ چه در بورس و چه غیر آن. این آیه سوره توبه را ملاحظه بفرمایید:

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا...﴾ [9]

عرض ما این است که از این (والعاملین علیها)، جواز وکالت قابل استفاده است.

##### 4.1.1- نظر علامه حلی رحمه الله در مورد استدلال به آیه برای جواز وکالت

مرحوم علامه حلی رضوان الله علیه، در کتاب‌های‌شان - بخصوص کتاب آیات الأحكام را ملاحظه کنید - ایشان نظرشان این است که «عاملین علیها» دلیل بر جواز وکالت است [10]. کسی که به جای فقرا برای فقرا می‌گیرد و به دست فقرا می‌دهد، این واسطه زکوات در مصارف آنها است. از این عاملین علیها بحث وکالت فهمیده می‌شود.

##### 4.1.2- وجه استدلال به آیه برای مشروعیت وکالت در قراردادهای بورس

عنایت دارید که ما در مباحث گذشته، عنوان حقیقی و حقوقی را گفتیم و قائل به مشروعیت حقوقی مانند حقیقی شدیم. می‌شود اینجا بگوییم که «عاملین علیها»، شخصیت‌های کارگزار

حقوقی هستند که در خدمت افراد حقیقی هستند که فقرا و مساکین مثلا باشند؛ یعنی از این آیه، هم شخصیت حقوقی قابل استفاده است و هم شخصیت حقیقی قابل استفاده است. بحمدالله ما نظرم آن این است که آیات و ادله قرآن، کاملا بحث قراردادهای را تایید می کند و اگر جز این آیات نداشتیم، همین برای اثبات مشروعیت قراردادهای بورس که به نحو وکالت انجام می شود، کافی است.

#### -4.2 آیه دوم

آیه شریفه دیگری که قابل استناد است:

کَهْفُ، آیه ۱۹ که ظاهرا آیه وسط قرآن است.

﴿فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرُوا أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِّنْهُ﴾ [11]

اصحاب کَهْف علیهم السلام، بیدار شدند - و از مصادیق اعجاز قرآن و نشانه معاد است - عده ای به دیگری وکالت دادند، با پول هایی که در اختیار داشتند، یکی را داخل شهر فرستادند، گفتند برای ما غذا بیاورید.

این آیه هم کاملا مربوط به بحث وکالت است که مشروعیتش ثابت می شود.

#### -4.3 آیه سوم

آیه دیگر که می توانیم از آن استفاده کنیم و اینجا دیگر صحبت قرارداد نیست، بلکه صحبت نفس وکالت و واگذار کردن کار به دیگری است، یا به قول مرحوم صاحب جواهر استنباه است. تفویض کار به دیگری است:

یوسف نبی (علیه السلام) در سوره یوسف آیه ۹۳ فرمودند:

﴿ادْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا﴾ [12]

حضرت یوسف (علیه السلام) به برادران شان وکالت دادند که پیراهنشان را برای پدر ببرند و بر چشمشان بیندازند تا بینایی اش برگردانند. نورانی شود. یأت بصیرا هم خودش حرف های مختلفی دارد.

این آیات دلیل بر مشروعیت وکالت است.

و روایات هم محضرتان گفتیم.

#### -5 غلبه داشتن نکاح وکالتی در عصر حاضر

در باب نکاح هم ما نمونه‌های مختلفی داریم که قرار داد نکاح به وکالت انجام می‌شود. و حتی اگر الآن آماری از نکاح‌های وکالتی و نکاح‌های غیر وکالتی بگیریم، عرض ما این است که نکاح غیر وکالتی در اقل است. اکثر اینها به وکالت انجام می‌شود؛ یا می‌خواهد تبرکا کسی بخواند، یا نمی‌تواند انجام دهد و به دیگری در اجرای صیغه عقد، وکالت می‌دهد. وکالت، یک مشروعیت خاصی دارد.

#### 6- وکالت دادن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به یکی از اصحاب برای عقد میمونه

حتی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به یکی از اصحاب وکالت دادند که میمونه را برای ایشان عقد کند [13]. این هم، قضیه شخصیه در بحث وکالة النبی (صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه) است. ما در مشروعیت وکالت شکی نداریم. و روایات مختلف داریم که امام صادق (علیه‌السلام) حتی در کارهای شخصی، دیگران را وکالت می‌دادند. و ائمه دیگر (علیهم‌السلام) هم در نقل‌هایی که از ایشان شده است، وکالت تثبیت شده است.

#### 7- دلیل سوم مشروعیت وکالت در قراردادهای بورس: اجماع (بر مبنای کسانی که اجماع را دلیل مستقل می‌دانند)

دلیل اجماع هم علامه و دیگران قائلند که اجماع هم بر وکالت اقامه شده است.

آیا وکالت، همان نمایندگی است یا خیر؟ ما الآن آنچه مورد بحث مان است، وکالت در خرید و فروش است؛ بلکه اگر روزی وکالت عامه مدنظر بود، در فقه سیاسی هم باید بحث شود، نمایندگی‌ها چه مشروعیتی دارند؟ مشروعیت نمایندگی‌ها هم به وکالت است. آنجا می‌توانیم از وکلای امام هادی و امام عسکری (علیهما‌السلام) و فرمان‌هایی که صادر می‌کردند، هم بحث کرد.

#### 8- دلیل چهارم مشروعیت وکالت در قراردادهای بورس: عقل

اما نسبت به دلیل عقلی، آنچه ما به نتیجه رسیدیم این است که به دلیل عقل هم، وکالت قابل اثبات است. (به این بیان):

1) انسان بما هو انسان، شخص حقیقی نیازمند است. مخلوق، نیازمند است. تنها موجودی که بی‌نیاز است، خداوند است. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ [14]. غنی حمید، حضرت حق است و همه جز خدا، نیازمند هستند از جمله انسان.

2) انسان در رفع نیازهایش خودش به تنهایی نمی‌تواند نیازش را رفع کند؛ یعنی محتاج به معاونت و مساعدت است. ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ [15]. یعنی تعاون باید به برّ باشد.

پس با این دو مقدمه که یک. انسان نیازمند است. دو. انسان تنها نمی‌تواند نیازهایش را رفع کند و باید انسان در کارهایش کمک بگیرد و کارهایش را به دیگران واگذار کند.

عقل با توجه به این دو مقدمه می‌گوید: چون انسان نمی‌تواند، باید کمک بگیرد. این کمک گرفتن یعنی مشروعیت عقلی وکالت.

### 8.1- تطبیق دلیل عقل به بحث بورس

نقل کلام در مورد مسئله مستحدثه بورس می‌کنیم؛ ما هستیم و بورس، عده‌ای تخصص و تعهد در معامله دارند و عده‌ای دیگر سرمایه دارند، ولی تخصص ندارند. اینها برای رفع نیازشان قراردادهایی می‌بندند و نیازهایشان را به وسیله آنها برطرف می‌کنند؛ چنانکه در زمان قدیم حاجت به اجناسی داشتند، اجناسی را می‌دادند و اجناسی را می‌گرفتند.

### 9- عقد بودن یا ایقاع بودن وکالت

اما در اینکه وکالت عقد است و یا ایقاع، اکثر عقده‌ها می‌دانند که نیاز به ایجاب و قبول دارد. مرحوم صاحب جواهر هم نظرشان عقد بودن است؛ [16] ولی صاحب عروه در برخی کلماتشان استفاده می‌شود که تأملی بر نظر مشهور دارند و می‌گویند: شاید وکالت از ایقاعات باشد و نیاز به قبول نداشته باشد [17].

بحث دیگر اینکه آیا وکالت به معاطات هم برگزار می‌شود یا خیر؟ و به کتبی بودن برگزار می‌شود یا خیر؟ ان شاء الله برای جلسه آینده باشد.

### 10- نتیجه

خلاصه بحث ما این است: ما قراردادهای بورس را تحت عنوان وکالت می‌دانیم. و این قراردادها هم که اسمش را وکالت در خرید و فروش می‌گذاریم، اعتبار قرآنی و روایی و اجماعی و به دلیل عقل دارد؛ یعنی ادله اعتبار وکالت در بورس به ادله اربعه، یا به نظر خودمان ادله ثلاثه استنباط، معتبر می‌دانیم.

---

[1] کلیات مفاتیح الجنان، قمی، شیخ عباس، ج ۱، ص ۵۶۳.

[2] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسی، ج ۵۷، ص ۲۱۶.



[3]بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج٥٧، ص٢١٤.

[4]بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج٩٩، ص٢٦٧.

[5]وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج١١، ص٤٩٩، أبواب احكام الدواب في السفر و غيره، باب ٢٣، ح٣، ط آل البيت.

[6]وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج١١، ص٥٠٠، أبواب احكام الدواب في السفر و غيره، باب ٢٣، ح٤، ط آل البيت.

[7]بقره/سوره٢، آيه٦٩.

[8]تذكرة الفقهاء- ط آل البيت، العلامة الحلي، ج١٥، ص٥.

[9]توبه/سوره٩، آيه٦٠.

[10]تذكرة الفقهاء- ط آل البيت، العلامة الحلي، ج١٥، ص٥.

[11]كهف/سوره١٨، آيه١٩.

[12]يوسف/سوره١٢، آيه٩٣.

[13]تذكرة الفقهاء- ط آل البيت، العلامة الحلي، ج١٥، ص٦.

[14]فاطر/سوره٣٥، آيه١٥.

[15]مائده/سوره٥، آيه٢.

[16]جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج٢٧، ص٣٤٧.

[17]العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج٦، ص١٨٥.